**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هجدهم\_26 آبان 1398**

در جلسه گذشته فرمایش مرحوم آخوند اعلی الله مقامه الشریف را در مورد مقدمه سوم که مقدمه دوم شیخ بود بیان شد نتیجه این شد که مرحوم آخوند مثل مرحوم شیخ به دو مطلب تمسک می کنند تا اثبات کنند انسدادی حق اهمال احکام واقعیه را ندارد. انسدادی نمی­خواهد به جایی برسد که با علم اجمالی به وجود تکالیف الزامیه مخالفت کند به دو دلیل یکی اجماع و دیگری ضرورت فقه یا بگویید خروج از دین. این وجه تشابه رسائل و کفایه بود. اما وجه افتراقشان مرحوم شیخ یک دلیل سومی را هم اقامه کرد که فرمود اگر هم دلیل اول و دوم قبول نشود اینجا علم اجمالی داریم کثیر فی الکثیر و ما چنین علم اجمالی مخالفت قطعیه کردن جایز نیست. آقای آخوند این را قبول ندارد. علی المبنا و مبنا هم این است که ایشان چیزی به نام توسط در تنجیز را نمی پذیرد می گوید یا ما اساسا چیزی به نام تنجیز نداریم. و آن شبهات بدویه است ویا انچه داریم سراسر تنجیز است و آن علم اجمالی منحل نشده است که اطرافش مثلا به اضطرار نخورده باشد بنابراین اگر به پیکره علم اجمالی ضربه ایی به نام اضطرار برخود کرد باعث می شود علم اجمالی کلا از بین برود دیگر نمی توانیم بگوییم علم اجمالی در ان باقی مانده که مضطر نیستیم حجیت دارد. در برابر کسانی که به مسلک توسط در تنجیز قائل اند می گویند ممکن است علم اجمالی منحل شود اما نه اینکه به قول شما اخوند مثل شبهه بدویه باشد و نه اینکه علم اجملی سراسرش تنجیز باشد. نه سراسرش تنجیز است و نه شبهه بدویه می شود. باقی مانده تنجیز دارد یعنی نگو اضطرار هم که بیاید باز علم اجمالی منجز است ولی این را هم نمی گویم که اگر اضطرار امد می شود بقیه اش شبهه بدویه. نه این را می گویم و نه ان را. انی که اضطراری داری کنار بگذار و مابقی را تنجیز کن.

کسی که به دلیل سوم شیخ تمسک می کند باید توسط در تنجیز را قبول داشته باشد و کسی که فقط دو دلیل می اورد مثل کفایه از ان جهت که توسط در تنجیز را قائل نیست ولی اقای اخوند حرفش در کفایه این است که اگر مبنای اصولی کلی من را بخواهید می گویم عدم توسط در تنجیز است اما اگر به من بگویی اینجا چه می کنی یعنی انجا که علم اجمالی داریم به وجود تکالیف الزامیه با فرض باب انسداد علم، می گویم اینجا احتیاط می کنم اگر چه مبنای من این بود که چنین جاهایی احتیاط لازم نیست ولی اینجا یک خصوصیتی دارد. این جا اگر مهمل بگذارم، اولا خلاف اجماع است و ثانیا خروج از دین است و خلاف ضرورت. این دو ویژگی در سایر علم های اجمالی نیست. به عبارت اخری مرحوم شیخ که به سه دلیل تمسک کرد. دو دلیلیش فقط مخصوص این علم اجمالی است و دلیل سومش برای همه علم های اجمالی است و اختصاص به این جا ندارد. اخوند می گوید ان دو دلیلی که برای اینجا بیان کردید می پذیرم اما ان دلیل را که اقامه می کنید برای همه علم های اجمالی و علم اجمالی اینجا را هم مثل سایر علم های اجمالی فرض می کنید من این را قبول دارم لذا اگر دلیل اول و دوم نباشد شیخ می گوید احتیاط ولی اخوند می گوید برائت. این مقایسه بین رسائل و کفایه.

این مقایسه این دو بزرگوار بین الرسائل و الکفایه.

خلاصه مقدمه دوم شیخ برای انسداد این است که ما نسبت به مشکوکات و مظنونات و موهومات نباید خودمان را مهمل و بی تکلیف بدانیم چون علم اجمالی داریم در بین این مشکوکات، این مظنونات، این موهومات، تکالیف واقعیه هست، و مخالفت کردن با چنین علم اجمالی خلاف اجماع است. خلاف ضرورت است. و اگر حتی علم اجمالی ضربه خورده را حجت بدانیم در باقی مانده اینجا از راه حجیت علم اجمالی نیز وارد می شویم و می گوییم مقطوعات از تحت علم اجمالی خارج شده است ولی خروج مقطوعات از دایره این روایات، ضربه به علم اجمالی ما در مظنونات و مشکوکات و موهومات نمی زند. اقای اخوند می گوید دیگر علم اجمالی از قطعیت می افتد و جریان برائت از نظر فنی اشکالی ندارد ولی اینجا جریان ندارد. این تقریر مقدمه دوم شیخ برای مسلک انسداد

اما عرض ما که بخواهیم این مقدمه را به گونه ایی تقریر کنیم برای مسلک اضطرار دو مطلب را باید بگوییم:

1. چیزی که بارها تکرار کرده ایم و ان این که انچه که از شریعت بر قلب مقدس نبی خاتم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و الان هم در قلب مقدس بقیه الله ار واحنا هست ان دین نازل ست و حقیقت دین هم همان است. اما الان انچه دست ماست دقیقا دین نازل نیست؛ لذا با حکم ظاهری و اصول عملیه روبرو می شویم . لذا در اصول مسائل شک مطرح می شود. مخصوصا اضطراری که می گوید تراث روایی ما دچار مشکلاتی شده است که نمی تواند به صرف صحت سند به هر روایتی اعتماد کرد پس بین انچه از دین در تراث روایی ما هست در ظواهر قرآن هست، ان چیزی که ما می فهمیم نمی توانیم بگوییم دقیقا همان چیزی است که بر قلب مقدس پیامبر خاتم نازل شد.
2. درست است شریعت نازله با شریعت موجود متفاوت است درست است چیزهایی از شریعت نازله الان اساسا در دست ما نیست ولی بخش عمده ایی از شریعت نازله در همین روایات و فتاوای علما باید جستوجو بشود. بخش عمده ایی از شریعت نازله بر قلب مقدس نبوی در همین هاست و خارج از این ها هم نداریم لذا من نمی توانم به انچه از منابع شریعت موجوده است بی تفاوت بمانم و بگویم من مکلفم فقط بر شریعت نازله بر قلب پیامبر. نه این به قول شیخ هم خروج دین است و هم خلاف ضروریات ما برش می گردانیم به این حرف که لازمه این است که شما پرونده دین را ببندید این خلاف ضرورت است.

خب حال اینجا باید چکار کنیم ایا باید به هر ظنی عمل کنیم به هر درجه و حجت مستقل.

خواهیم گفت نه این ها حجت مستقل نیستند ولی حجت ساز هستند و ایا باید به ظنون عمل کنیم ولو هر منشائی داشته باشد. ما می گوییم ظنونی که سر منشا عقلانی و عقلائی داشته باشد. پس ما اولا ظنون را حجت مستقل نمی دانیم بلکه حجت ساز می دانم ثانیا هر ظنی را از هر منشائی حجت نمی دانیم. تازه ما در مسائل قطع گفتیم که قطعی که از این سرمنشا باشد نمی­پذیریم.

پس اینجا اساس بحث اضطرار از انسداد منفک می شود.

برای بحث بعد مقدمه سوم شیخ را ملاحظه بفرمائید.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.